

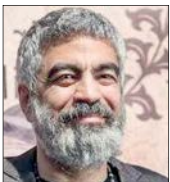


نگاه

ضعف آیین نامه‌های فرهنگی

یکی از دلایل بی‌اعتنایی سینمای ایران به جشن‌ها و اعیاد این است که همیشه دنبال این هستیم کاری گل کند و بعد دنباله رو آن باشیم. هیچ وقت نمی‌آییم بدعتی در زمینه‌ای بگذاریم و راسا کاری را شروع کنیم. متأسفانه سینمای ایران اهل خطرپذیری نیست، وگرنه هرکاری خطرهای خود را دارد و حتی ممکن است این خطرپذیری جواب مثبتی هم داشته باشد. در گذشته و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ هم همین‌طور بود و مسؤولان دولتی و مدیران فرهنگی در جشنواره فیلم فجر به هر فیلمی بها می‌دادند همان تبدیل به یک موج کلیشهای می‌شد.

ما در اعیاد و مناسبت‌های مختلف به یاد کم کاری سینمای ایران در این زمینه می‌افتیم، اما باز این مساله فراموش می‌شود تا باز در زمان‌های مشابه از این انفعال گلایه کنیم. درحالی‌که همه این سوزها و مناسبت‌ها می‌توانند برای نوشتن فیلمنامه و ساخت فیلم، دستمایه قرار بگیرند. سینمای ایران کارهای خوب اندکی در این خصوص انجام داده است، اما هنوز ظرفیت فراوانی برای تولید فیلم‌های خوب و جذاب وجود دارد. ساخت این فیلم‌ها هم می‌تواند سهمی در معرفی و حفظ فرهنگ ایرانی و بومی داشته باشد و هم واجد نگاه انسانی خواهد بود. یکی از دلایل اصلی این وضعیت، ضعف سیاستگذاری، مدیریت فرهنگی و ناکارآمدی آیین‌نامه‌های فرهنگی و سینمایی است. اگر هم فیلمنامه نویسان چندان سراغ نوشتن آثاری در این خصوص نمی‌روند، یکی از دلایلش این است که حمایت نمی‌شوند. اگر فیلمنامه نویس فیلمنامه‌ای درباره ملاحیدنوروز بنویسد نزد تهیه‌کننده‌ای برسد، ممکن است آن تهیه‌کننده بگوید من اگر این فیلم را بسازم، ممکن است اکران نشود. یعنی دغدغه بازگشت سرمایه را مطرح می‌کند. این ترس و تردید هم به دلیل فراهم نبودن بستر مناسب در این زمینه است. اما اگر ساخت فیلم‌هایی درباره اعیاد و جشن‌های ایرانی، جایگاه مهمی نزد مدیران فرهنگی و مسؤولان سینمایی داشته باشد، قطعاً دگرمی بیشتری برای اهالی سینما جهت ساخت آثاری در این زمینه وجود خواهد داشت.



و به همین دلیل اکران آن همچنان ادامه دارد. او با اشاره به ثبت قرارداد نمایش این فیلم تأکید کرد: از هفته آینده جهان با من برقش در سینماهای کشور اکران خواهد شد. علی مصفا، هاینه توسلی و پژمان جمشیدی از جمله بازیگران فیلم «جهان با من برقش» هستند.

تیپیکال آنها برای قصه گویی استفاده نمی‌کند، اما در عوض از نمادین ایام، کلاه‌های خوبی برای خود بافته است و این روزها و مناسبت‌ها طلایی‌ترین فصول اکران سینمای ما هستند و صاحبان آثار برای اکران فیلم‌ها در این ایام، سر و دست می‌شکنند. در دوره فیلمفارسی، صاحبان فیلم‌ها برای اکران تازه‌ترین فیلم‌های ستارگان آن وقت در این روزها برنامه ویژه‌ای داشتند و در این سال‌ها هم به اصطلاح گل فیلم‌ها را در این ایام اکران می‌کنند تا فروش آثار تضمین باشد.

مقصرهای غیرسینمایی

بالاغیرتا همه چیز هم تقصیر سینما و مدیریت فرهنگی و سیاستگذاری‌های کلان نیست و جامعه و حتی خود ما مردم هم در این زمینه بی‌تقصیر نیستند. چقدر در همه این سال‌ها توانسته‌ایم عید نوروز شب پیدا، چهارشنبه سوری و از این قبیل اعیاد و مراسم و مناسبت‌های شادی بخش را به خوبی و به زیبایی اجرا کنیم. چقدر به عناصر جذاب بصری و شکل و شمایل آن در جامعه بها داده‌ایم. چقدر شب‌های پلدا را فارغ از جمع‌های خانوادگی محدود به سطح جامعه و فضای بیرونی کشانده‌ایم و جنبه‌ای آیینی و ملی و باشکوه به آن داده ایم؟ چقدر برای عید نوروز این کار را کرده‌ایم و برنامه‌هایی مدون و سراسری برای شادمانی در آن ایام برای مردم تدارک دیدیم؟ چقدر شب‌های چهارشنبه سوری را به شکلی درست و آیینی در شهرها و روستاهای کشور برگزار کرده‌ایم و مجالی برای شوروروشادی جمعی ایجاد کردیم؟ چقدر مسؤولان اجرایی و نماینده‌های ملت، قدمی برای اتحاد ملی و شادی سراسری در این مناسبت‌ها برداشته‌اند و با آنها همراه بوده‌اند؟ در غیبت این همه، چطور انتظار داریم سینما بازتابی دروغین از جامعه‌ای که طور دیگری حرکت می‌کند، داشته باشد؟ اگر سینمای هالیوود و غرب، کریسمس و هالووین و مناسبت‌هایی این چنینی را باشکوه و دراماتیک به تصویر می‌کشد، یکی از دلایل اصلی‌اش این است که همین زرق و برق و عناصر جذاب بصری را با کارکرد فرهنگی‌شان در جامعه به وفور و هرساله می‌بیند. چیزی که در جامعه ما هیچ نشانی ندارد.

عنوان يك سوزۀ جذاب نگاه نمی‌کنند و ساده و بی‌اعتنا از کنار آنها می‌گذرند. سال‌هاست که نان سینمایی در این چیزها نیست و تلخ اندیشی یا بیاج دادن لوده وار به تماشاگران در شبه کم‌دی‌ها، گشته و مرده بیشتری دارد. با این حال به نظر می‌آید که می‌توان خط اصلی قصه همین آثار کم‌دی و اجتماعی را هم گاهی به مناسبت با این اعیاد و جشن‌ها پیوند زد و آنها را به عنوان بستر با ظرفیت قصه‌ها در نظر گرفت. تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌ها هم معمولاً اهل ریسک و خطر نیستند و ترجیح می‌دهند به جای پرداختن به این سوزها، به موضوعات و مسائل دیگری در فیلم‌ها بپردازند و چندان از فیلمنامه‌هایی که در این مورد دست‌شان می‌رسد استقبال نمی‌کنند. به این بهانه که چنین فیلم‌هایی ظرفیت جذب مخاطب و فروش ندارند. مجموع این عوامل، باعث شده عید نوروز و شب پیدا و چهارشنبه سوری و... در سینمای ما غیبتی محسوس داشته باشند.

تنهاییک ظرفیت‌نمایشی

سینمای ایران هر قدر به اعیاد و مناسبت‌های شادی آوری چون عید نوروز و عیدفطر و... بی‌اعتناست و از ظرفیت بالقوه جذاب و

تعویق افتادن مجدد اکران فیلم جهان با من مهر گفت؛ سرگروه این فیلم سینمایی، استقلال است و در حال حاضر در این گروه فیلم سینمایی «منطقه پرواز ممنوع» به کارگردانی امیر داسارگر در حال اکران است. این فیلم توانسته همچنان کف فروش خود را حفظ کند

چرا با وجود این همه تاریخ و فرهنگ، ما نتوانسته‌ایم آیین‌های خودمان را جهانی کنیم!

چه کسی حاجی فیروز را کشت؟!

سینمای ایران در پرداخت به اعیاد و جشن‌ها به‌گرد پای سینمای جهان هم نمی‌رسد

این یکی دوروز، اینستاگرام و دیگر برنامه‌های فضای مجازی پر شده از تبریک کریسمس و عکس‌های مختلف چهره‌های شناخته‌شده جهانی با انواع و اقسام عناصر کریسمسی همچون درخت‌های تزئین شده، گوزن و لباس‌های قرمز بابانوئل. همین به اشتراک گذاشتن شادی را به نوعی چهره‌های شناخته‌شده و برخی هنرمندان ایرانی هم در لحظه تحویل سال و ایام عید نوروز دارند و این مناسبت مهم را به شیوه‌های گوناگون به مردم و دوستانشان شادباش می‌گویند.

درباره جشن‌ها و مناسبت‌های دیگر تقویمی هم تقریباً چنین مساواتی حاکم است و اگر هنرمندان و چهره‌های مشهور غربی به وقت مثلاً هالووین، عید پاک، ولنتاین و... شادی‌های خود را با انتشار عکس‌ها و مطالبی با دیگران تقسیم می‌کنند، همتایان و همکارانشان در ایران هم همین کار

را به وقت مناسبت‌هایی چون شب پیدا، چهارشنبه سوری، عیدفطر و دیگر اعیاد و جشن‌های ملی و مذهبی انجام می‌دهند و اتفاقاً در این زمینه هیچ کم نمی‌آورند. تا اینجا برابری کامل برقرار است و ما هم مایه‌ای ازایی با آن طرفی‌ها داریم، اما وقتی بحث را به حوزه کاری و تخصصی هنرمندان و منحصر به خاک سینما می‌کشانیم، آن وقت دیگر خیلی نمی‌توانیم با لیخند و غرور سرمان را بالا بگیریم و حرف از برابری بزنیم. در آزمون سنجش و ارزیابی کارهای سینمایی مرتبط، موثر و ماندگار درباره اعیاد و جشن‌ها و مناسبت‌های شادی بخش تقویمی، می‌شود گفت که تماماً و بدون چون و چرا و کمترین مقاومت، تسلیم سینمای غرب هستیم و بی‌معطلی به غار بودن مرغ همسایه، اعتراف و اقرار می‌کنیم.

درحالی که سینمای هالیوود و غرب، فیلم‌های

مشهور و موفق درباره اعیاد و جشن‌هایشان از جمله همین کریسمس دارد و توجه دیرباز و مدام به آن حتی تبدیل به یک سنت و گونه سینمایی شده است، سینمای ایران کاملاً در این زمینه خنثی و منفعل عمل کرده و تقریباً حتی یک فیلم تام و تمام با قصه‌ای مرتبط با عید نوروز شب پیدا، چهارشنبه‌سوری و... ندارد و ظاهراً خودش را ملزم به چنین توجه و اعتنایی نمی‌بیند. سینمای ایران دست بالا و در بهترین حالت، فیلم‌های اندکی دارد که بخش اندکی از قصه در این مناسبت‌ها اتفاق می‌افتد. اما برای این که فیلمی یکسر مرتبط با این اعیاد و جشن‌ها و مناسبت‌ها بسازد و درصدد معرفی فرهنگ غنی و شادی بخش ایرانی برآید، قدمی برنداشته است.

چرا و چگونه؟

این که سینمای ایران به‌ندرت و انگشت‌شمار و آن هم در پاره‌ای از سکانس‌ها سراغی از جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی می‌گیرد و دوست ندارد شادی‌های مناسبتی وطنی را در قالب قصه‌هایی جذاب به تصویر بکشد، دلایل مختلفی دارد که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره

نه چندان شاد

اعیاد و جشن‌های ملی به طور طبیعی باید موعد مناسبی برای شادمانی باشد، اما سینمای ایران در همان اندک دفعاتی هم که برای استفاده دراماتیک، سراغ برخی از این مناسبت‌ها می‌رود، نشانی از شادی نمی‌گیرد و نگاهی غمبار و پرمساله به آنها دارد. حتی در فیلم طهران تهران و در اپیزود داریوش مهرجویی هم که بیشتر تهرانگردی مورد توجه است و نه عید نوروز و لحظه سال تحویل، باز چندان خبری از خنده و شادی بی‌غصه و دغدغه نیست و خانه خرابی، محرک قصه است. در یادکنک سفید جعفر پناهی، پروسه خرید ماهی سفره هفت سین برای دخترچپه فیلم با گم کردن پول خرید، زهر می‌شود. در آژانس شیشه‌ای ساخته ابراهیم حاتمی کیا، تنها یک روز به عید نوروز مانده، اما ماجرای فیلم نشان داد شادی به هیچ کدام از شخصیت‌های آن نمی‌آید. شب پیدا ساخته کیومرث پوراحمد که صرفاً از نام بلندترین شب سال استفاده می‌کند، به شب سیاه ناتمام شخصیت اصلی قصه اشاره دارد. چهارشنبه سوری اصغر فرهادی هم با این که قصه‌اش در روز سه شنبه آخر سال اتفاق می‌افتد، ربطی به این مناسبت ویژه ندارد یا دست‌کم خبری از جشن و شادی این روز در فیلم نیست و اگر هم ترقه‌ای در می‌شود برای ترساندن زن تنها و طرد شده قصه است.

دست پر چشم‌آبی‌های قرمزپوش



هرقدر دست‌های سینمای ایران در زمینه ساخت فیلم برای اعیاد و جشن‌ها خالی است، هالیوود و سینمای غرب پرچمشان بالا است. با یک جست و جوی ساده، صفحات ویکی‌پدیایی مخصوص فیلم‌های کریسمسی. آنها به قدری فیلم درباره کریسمس ساخته‌اند که تبدیل به یک گونه سینمایی شده اما سینمای ایران حتی یک فیلم کامل درباره عید نوروز ندارد. و فیلم‌های هالووینی، فیلم‌های ولنتاینی و... را مشاهده خواهید کرد. سرود کریسمس، چه زندگی شگفت انگیزی، کریسمس سفید، سانتا بد، معجزه در خیابان سی و چهارم، تنها در خانه، چگونه گرینچ کریسمس را درزید، داستان کریسمس، هالووین، ترس، احقانه ارنست و... تنها برخی فیلم‌های مهم در این زمینه هستند. نکته جالب درباره هالیوود این است که تقریباً هر سال فیلم‌هایی با موضوع کریسمس و هالووین تولید می‌کنند تا درست در این ایام در سینماها اکران شود. همین حالا که این گزارش را می‌خوانید فیلمی به نام کریسمس سیاه در آمریکا اکران است که جزو فیلم‌های پر فروش در باکس آفیس هم به حساب می‌آید.



اداره کل پشتیبانی



اداره کل پشتیبانی



اداره کل پشتیبانی

اداره کل پشتیبانی